

# روزنامه همدلی

<b>روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</b>	
<b>سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲</b> <p><b>۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۵</b> - <b>۲۱ نوامبر۲۰۲۳</b> - شماره <b>۲۳۰۵</b> - <b>سال هشتم</b> <p><b>۸ صفحه</b> - <b>قیمت ۱۰۰۰۰ تومان</b> - <b>ضرب کبفی ۶۱۴</b></p> <p><b>hamdelidaily.ir</b> <p><b>news.paper.hamdeli@gmail.com</b> <p><b>t.me/HamdeliNews</b></p> <p>صاحب امتیاز، مدیر مسئول: <b>ولی‌الله شجاع‌پوریان</b> <p>سر‌دبیر: <b>جلال خوش چهره</b> <p>چاپ: <b>صمیم ۳۳۷۲۵-۴۴۵-۰۲۱</b> <p><b>تورج: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰</b></p> <p><b>تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج</b> <p><b>خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۵-۰۲۱۶۹۸۱۲۷</b></p></p></p></p></p></p></p></p>	

## یادداشت‌ها

## فناوری‌های نوین و ظهور آسیب‌های اجتماعی جدید!



محمدحسین علایی

جامعه‌شناس

سایبر اسپیس یا همان فضای مجازی، سیاره تازه اکتشاف شده‌ای است که آرام آرام همه جهانیان بی آنکه متوجه این تحول بشوند، به آن نقل مکان کرده‌اند و در شبانه روز، تقریباً زیستن بدون سرگرمی‌های تمام نشدنی اش محال می نماید، اما نمی‌توان حتی با چنین تعبیری از این جهان جدید سخن گفت.

تلقی سرگرمی صرف تقلیل دادن مسئله است، زیستن در فضای مجازی، نحوه خاصی از بودن است، نحوه خاصی از تحقق واقعیت و آن رویدادی که در ساکتین این اقلیم ناشناخته، رفته رفته شکل و شمایلی تازه به خود می گیرند، و با آب و هوای این سیاره اخت می‌شوند؛ شبیه کوله‌هایی می‌شوند که نیچه با تعبیر آخرین انسان از آن‌ها یاد می کرد، نوعی الیناسیون که به نحوی تدریجی، شخصیت‌ها را در خود مستحیل و یکسان سازی می کند.

ایوانسوی به عمق نیم بند انگشت، این تعبیر یک متخصص علوم ارتباطات است از فضای مجازی؛ به باور جنبل پست من« علیرغم توسعه و گسترش امکانات و تکنولوژی های ارتباطی، در هیچ دوره‌ای ارتباطات تا این پایه، مصنوعی و غیر اصیل نبوده است.

شاید بشود از چنین نحوه زیستنی که در این سیاره جدید ممکن شده است به «زیستنی ناتمام»تعبیر کرد.

متنازین‌ها تا قرن هجدهم در تثبیت نظامات سیاسی-اجتماعی کارکرد داشته است. و به مثابه زمین‌بازی قواعد یسازی در عرصه‌های مختلفی مثل سیاست و حکمرانی را تعیین و تنظیم می کرد.

مدرنیته اقتضانات جدید و نوظهوری را برای نظم اجتماعی تحمیل می کند؛ وصف «بحرانی» و «انتقادی» مدرنیته همه صفت و مورثیت گذشتگان را به چالش می کشد؛ و قاره جدیدی در اندیشه سیاسی کشف می‌شود؛ انسجام اجتماعی؛ توازن قوا و نیروهای سیاسی مورد بازنگری و بازاندیشی واقع میگردد؛ و اندیشمندان بسیاری در فلسفه و جامعه‌شناسی ایده‌های نوبی را برای سیاست و اجتماع مطرح می کنند، با ظهور پست مدرنیته و انفجار واقعیت در رسانه‌ها و فضاهای مجازی که بودریار از آن به ابرواقعیت (Hyper Reality) ییاد می‌کند مناسبات

### طوفان‌ها

## نخستین روزنامه جهان که به تیراژ یک میلیون رسید



ویلاگ ها نه دارای سرمایه هستند و نه نگران از انتقاد و اتهام. این، پدیده ای تازه در جهان است که از نیمه دهه ۱۹۹۰ وارد صحنه شده است – پدیده ای که برای نخستین بار باعث آزادی تمام عیار ابراز عقیده و نظر شده است.

با ظهور این پدیده، رسانه‌های متعارف نه تنها با خود، بلکه با این پدیده تازه (رسانه‌های اینترنتی) وارد رقابت شده‌اند و به دایر کردن ادیشن آنلاین دست زده اند که هزینه چندان زیاد ندارد و ممکن است که در دهه‌های بعد دست از انتشار چایی بردارند که هزینه بَر است.

به علاوه، اصحاب آگهی‌ها هم توجه به آنلاین کرده‌اند و آگهی‌های خود را به صورت آنلاین دائمی درآورده‌اند که دسترسی به آن آسانتر است و هر روز هم با ارتقای تکنولوژی، آسان‌تر و ارزان‌تر می‌شود.

### یادداشت‌ها

پیرامون گفتمان شعری؛برسی کتاب «سفر با قطاری که نیست» حسین هلیل با ترجمه اصغر علی کریمی

## آوازهای مان را تبعید می کنیم



جعفر محمدی و اجار گلوی

شاعر و منتقد ادبی

گفتمان در شعر از عوامل درونی و بیرونی نشات می‌گیرد تا جایی که مفاهیم از نثر ساده عبور می‌کند و مسیر شعر صرف ساختاری که در خودش ریشه دوانیده جلوه‌های تودرت‌تری را نشان می‌دهد.ضرورت تعیین تکلم در شعر چه در زبان‌شناسی شعر و چه در موقعیت‌شناسی شعر و فرهنگ و جامعه و… می‌تواند یک جریان ادبی را سمت‌وسو بدهد و این خود تحولی در نوگرایی و نواندیشی در بحث جریان شناسی خواسته‌پاناخواسته‌می‌تواندباشد،حال‌آنکه‌معنا و مفهوم در شعر استقلال خود را در گرو گفتمان حفظ می‌کنند.صورت‌های شعر در روایتی که درون خود به تفسیر می‌کشانند امکان این را به هر مخاطبی با زمینه فکری متفاوت می‌تواند بدهد که رابطهای را در وضعیت‌های مفهومی توصیف کنداین ادعا می‌تواند تحلیلی را موردبررسی قرار بدهد که چسرا گفتمان به‌تنهایی قادر نخواهد بود ثمره شعر را از معنا و مفهوم مجزا کند!ما آغازگر این ضرورت است طوری‌که بدون گفتمان درونی در شعر بامعنا ومفهومی مواجهه نمی‌شویم؛و آیا صحیح است بگوییم ایسن کمال‌گرایی کاذب صورت‌کنام موقعیت را می‌خواهد به تفسیر بکشاند که نقش‌های موجود در گفتمان معرف صورت ایزه‌های متغیری باشد؛واشاره به این موضوع که گفتمان در شعر ازچه رابطه‌هایی نشأت می‌گیرد و شاعر چگونه ادراک و بن‌مایه‌های رفتاری خود را در شعر می‌گنجاند تا جهان گفتمان او در شعر اززشمند باقی بماند.گفتمان در شعر به مجال‌های پوشیدهای می‌رسد که لمس آن آندقرعین شده با حیاوهی درونی شعر که کم‌رنگ قابل‌مشاهده است یا طوری غایب بودن را در خود مستتر می‌دارد که محتمل وجودش به نیستی تن می‌دهد اما زدی که بجا می‌ماند دغدغه شاعر است پیرامون خودش و جهان اطراف خود و رویلایه‌ودن‌ها ونیون‌ها که تحکیم کننده گفتمان درونی است که شکل و شمایل شعر را در خود نشانگر است.به‌نظرمن شعر صورتی از یک گفتمان درونی است که می‌خواهد الزام حضورش را سروشکلی بدهد و این امکان را می‌دهد که معنا وسمت بیشتری به خود پیدا کند و به‌گونه‌ای موقعیت‌ها را زیست می‌کند از یک قلمروهای خاص‌تر و مختلفی را به خود اختصاص بدهد.مجموعه«سفر با قطاری که نیست» اثر «حسین هلیل»عجین شده یک گفتمان درونی پنهانی است که می‌خواهد روشا را در زندگی کندبه‌این‌دیگر شاعر شهامت گفتمانش را تا جایی پیش برده که می‌خواهد، به کشف بقایایی از خود و هستی و به‌خصوص رنج آشکاری که دامن‌گیر جامعه شده برسد و این زیبایی در صورتی می‌تواند خودش را در حضور ببیند که عصیان‌بار رزیست کند و شاعر توانسته خودش را برساند به آن گفتمان و متوقف نشود و زخم را و مصیبت را و خدا و روپا و آزادی و… را درآشوب درونی خودش جادوانه کند.گفتمان درونی در شعر می‌تواند از تفکر و دغدغه‌ها و جریان هستی‌اش نشأت بگیرد که درهردوره مواجهه‌شده‌ایم با آثار متفاوتی از گفتمان درونی در شعر.جهان حاضر کماکان درگیر یک چرایی و سرگردانی است و ناگفته‌ها و نادیده‌ها و درک ناپذیری‌ها و حیرانی‌ها و… متفاوت و متعددی را در خود جادوده و ایسن هیاهوهای خاموش که رابطه مستقیم با بودن و نبودن دارد جهانی از گفتمان درونی را در انسان بازمی‌کند و شعر می‌تواند تکامل‌پذیری این گفتمان را در خود نشانگر باشد.شاعر،یک سفر درونی را در مجموعه شعرش آغاز کرده؛سفری که می‌تواند تحویل خودش نباشد و نشانگر این باشد جهان کامل‌تری در او یا به این سفر گذاشته که تمام هنجارهای جهان را می‌فهمد و گمان می‌کند انسان همیشه نیازمند به خویش‌است و این نیاز ابتدا کشف‌ذات درونی است که شاعر در این کنکاش تلاشش را نشان می‌دهد.

۱) حسین هلیل،دراین مجموعه از عناصر عاطفی که در نگاه نخست هیچ رفتار عاطفی نمی‌توانند ازخود داشته باشند استفاده کرده،یعنی فضای تعریف‌شده را به آن سمت‌وسو می‌کشاند،مثلاً در شعر غنمه‌ها در میدان معنا می‌خوانیم:«می‌شناسم دهقانی را که داس‌هایش می‌مُردند!گر خوشه‌ها به سمتشان سر خم می‌کردند!و بازمی‌شناسم مقتولی را در سایه گل‌ولهای!که قاتل اوغریبانه شب در گورستان می‌خوابد!و دیگری تنها ماند!ی‌ست که از خویش لطف‌های بزرگ می‌سازد تا بخنداند!آن کس که او را تنها گذاشته است!در آنجاسان باهوشرایش دست‌به‌گریبان است!در صحنه معنا و شانه‌هایش فرومی‌افتد! زنی عاشق در قبرلدلدهاش به او گفته است آواز بخوان تا قابله‌ها دوباره بیایند!زادگان عالم امکان قصرهایشان را خواهند ساخت!و خانه ناممکن را معاولانش خراب خواهند کرد!یبه یاد داری چندبار با رویایی مردمیم که سرهای رویابرداران در آرزوی طناب‌هایش بود!یبه خاطر داری وقتی مرگ زخم‌هایش را بیرون ریخت آنگونه که حتی انگشتانش را پرتاب کرد! بزرگ خواهی شنسازگر آن قصه‌ای را بشنوی! چه قبیله‌ها آب شدند تا آن را آبیاری کنند! داستان سلحشوران باستان که پراکنده شده‌اند در زمین!تا با بمب‌ها وروبو شوندلایبازدیک تا نیست شویم در جهت‌های گوناگون!و خون زندگی از بدن‌های ما پنهان شود…»در این شعر به کارگیری داس‌ها و خوشه‌ها که می‌خواهند یک رنج درونی را نشان بدهند و رابطه قاتل و مقتول شرح یکسانی را به مرگ می‌دهد و انگار شاعر می‌خواهد مصومیتی که گم است، اصلاً به چشم نمی‌آید را از هر دو سوی نشانگر باشد و به یک درد مشترک برسد هلیل رؤیاهایش را درمی‌آمیزد با افکاری که در سرش دارد و به هوس‌هایش احترام می‌گذارد و ترجیح می‌دهد فردا را آنگونه که دوست دارد در گنّه باشدنه به دورستی دلخوش بماند!این چشم‌انداز را در این مجموعه می‌بینم.تصویر زنده از یک جهان نادیده را شاعر می‌خواهد نشان بدهد و شاید این خود بنحوی منطری از مرگ گزایی یا مرگ‌دوستی باشد،گرچه در این بند از شعر مردم خدای‌گونه دیده می‌شود!آنگونه که رنگ شعر و شعروتفکر انسانسای را وادار به کنکاش می‌کنددر بند بعدی تصویر زنی عاشق در قبر را نشان می‌دهد که این قبر خودش بدهدای متفاوتی فرای مرگ‌پذیری می‌تواند داشته باشد و با این آشنائزایی می‌پرد که می‌خواهد چند نما را به رخ بکشد و این مرگی که صورت می‌دهد، زن و پیام‌هایی که در متن به او داده می‌شود، این‌گونه مرگ یا تنهائی را کافی نمی‌داند و در آخر کار می‌گوید فاخرتر بمریم تاشرخ پنهانی بودن، امکان بیشتری در مرگ داشته باشد.۲) شعری دیگر:«آنچه از نیستی بارور می‌شود، مرگ دو چهره دارد!چهره‌ای گرم و عطر آگین!و دیگر چهره‌ای سرد و پاییزی!در عمر مانهجبری باقی نمانده است!ای انگوری برارمان که چشم کام‌جوهری بر او نیفتاده باشد!آنگونه است که حوای ما از گوشه خاطرخویش!په‌سوی آدم رفته و جاده را به خون اغشته است!خوابدنگارا رودخانه‌هایمان خشکیده است!زیباترین مرگ در محله ما فرق شدن است!گشاده،بیسته/ چشم‌های مردگان را می‌گویم!چشم‌های پدرانمان را در زمین!از روزی که آفریده شده‌اند!این زندگی تقسیم بر نیستی است/ آنگاه که نطفه‌ای در زهدانی خاموش می‌شود/ وهم دست این جهان را می‌گیرد!و دلپره او را به سمت سیاهی ستاره خود می‌کشاند!نامه‌ای‌مان رسیده می‌شود!از شت آنچه می‌سوزاند!اجزاه نامه‌ای مسا رادر معنایی که با تابندگی خیالت کرده است!هیچ طنابی از گردن‌های تهدید شده ما نگهداری نخواهد کرد!و هر طنابی در دستان ما برای خود گردنی دارد!بااین‌همه پنجره‌ها را نمی‌بندیم!گفتیم: سپیده صبح در دستان ما تخم خواهد گذاشت!گفتیم:آسمان روزی از انگشتان ما سر می‌زند!وزی که آتش در اعماق ما سرد خواهد شد!ای کاش هیچ چیز نگویم مگر هست و در او باقی می‌ماند گواه حقیقتی باشد که پذیرفته است.

### دریچه



صفا عوده - فلسطین

### روزگار دوست

شادی به روزگار گدایان کوی دوست
بر خاک ره نشسته به امید روی دوست
گفتم به گوشه‌ای بنشینم ولی دلم
ننشیند از کشیدن خاطر به سوی دوست
صبرم ز روی دوست میسر نمی‌شود
دانی طریق چیست تحمل ز خوی دوست
ناچار هر که دل به غم روی دوست داد
کارش به هم برآمده باشد چو موی دوست
خاطر به باغ می‌رودم روز نوبهار
تا با درخت گل بنشینم به بوی دوست

## مجاز استعار

زن همسایه واحد کناری فوت کرده، در حالی که سسال‌ها پیش بینمون بحثی پیش آمد و دیگه با هم ارتباطی نداشتیم و الان حس بد رفتن کسی که بینمون دلخوری بود و من تلاش جدی‌ای برای تمام شدن این دلخوری نکردم داره منو اذیت می‌کنه. مجاله در خودم نشستم و واقعا حس عجیبی رو دارم تجربه می‌کنم. (هرهاینس‌یث)

خانواده اومدن فرودگاه برای استقبال، اما نه مثل همیشه با لبخند، همه مهیوت و سیاه‌پوش. پاهام یک آن شل شد. ای داد دیر رسیدیم. حالا باید تا آخر عمر حسرت یک بار دیگه بوسیدن و در آغوش کشیدن بار باو را خودم بکشم.(حسین)

یک چیزی رو نمی‌تونم هیچ جوره تو ذهنم حل کنم که چچوری یک عده میتونن کسی رو که زمانی دوس داشتن احساسش بودن قصد ازدواج باهانش داشتن رابطه عاطفی احساسی باهانش داشتن رو باهانش به صورت معمولی ادامه بدن مثلا پیش پیام بدن بکن فقط می‌خواستیم حالت رو ببرسیم.(fariba)

شوخی‌طبعی یک‌چور نگر شه شوخ‌طبع‌ها زندگی رو جدی نمی‌گیرن. خیلی وقتا می‌بینم اینجا مثلا به کسی می‌گیذ: با فلان فاجعه شوخی نکن، اما به دم شوخ از مصیبت خودش هم جوک می‌سازه، اصولا نگاهش به زندگی متفاوته.(فرانی‌همیشگی)

## تذکرات

**حل معمای ۵۰ساله که دانشمندان را حیرت‌زده کرد!**
معمای اینکه چگونه سیاهچاله‌ها می‌توانند انرژی خود را به محیط اطراف خود پراکنده کنند، تقریباً ۵۰سال است که دانشمندان را درگیر کرده است. اما ممکن است گروهی از محققان در تازگی پاسخ این معمای کیهانی را در انرژی‌ای که یکی از هیولاترین سیاهچاله‌های جهان که به خوبی مطالعه شده است، به بیرون پرتاب می‌کند، یافته باشند. به طور کلی تصور می‌شود که هیچ چیز، حتی نور، نمی‌تواند از کنکاش گرانشی سیاهچاله فرار کند، اما این کاملاً درست نیست. از اواخر دهه ۱۹۷۰، دانشمندان این نظریه را مطرح کردند که وقتی یک سیاهچاله با سرعت بسیار زیاد می‌چرخد، می‌تواند انرژی دورانی خود را به شکل جت‌های انرژی عظیمی که عمود بر افق رویداد سیاهچاله پرتاب می‌کنند، از دست بدهد، یا به شکل مرزی که هیچ چیز فراتر از آن نمی‌تواند خارج شود، البته ممکن است این انرژی عظیم از طریق پینچ گرانشی پیچیده از سیاهچاله‌ها فرار کند، اما این کسب مسیر کاملاً متفاوت است.
باین حال،علیرغم شناسایی چندین بار این جت‌های انرژی و حتی عکس‌برداری از آنها، دانشمندان مطمئن نیستند که چگونه انرژی بین سیاهچاله‌ها در حال چرخش و جریان‌های سوپرشاز آن‌ها منتقل می‌شود.برای حل این مشکل، محققان دانشگاه پرینستون خود را به سیاهچاله M۸۷، سیاهچاله‌ای بسیار بزرجم با جرم معادل ۶۵ میلیارد خورشید در قلب کهکشان عظیم «مسیه ۸۷» که در فاصله ۵۳ میلیون سال نوری از زمین قرار دارد، معطوف کرده‌اند.
M۸۷، یکی از سیاهچاله‌هایی است که در کیهان به خوبی مطالعه شده‌است. در سال ۲۰۱۹، M۸۷ اولین سیاهچاله‌ای بود که مستقیماً از آن عکس‌برداری شد و در آوریل ۲۰۲۱، دانشمندان همچنین تصویری از جت‌های انرژی در حال شکل‌گیری در اطراف غارتور کیهانی را برای اولین بار ثبت کردند. در ماه سپتامبر، محققان همچنین چرخش M۸۷ را پس از مشاهده تکان خوردن آن روی محور خود، که اولین باری است که چرخش یک سیاهچاله تایید می‌شود، به دقت اندازه‌گیری کردند.تیم محققان در مطالعه جدید خود روی جت‌های انرژی M۸۷ تمرکز کردند تا چگونگی شکل‌گیری آنها را ببینند.این جت‌های انرژی «سأسا مانند شمشیرهای نوری جدی به طول میلیون‌ها سال نوری هستند» که می‌توانند تا حدود ۱۰ برابر کهکشان راه شیری گسترش پیدا کنند و مقادیر «واقعا دیوانه‌کننده» انرژی آزاد کنند.این تیم دریافتند که درنتیجه چرخش M۸۷ با کشیدن خطوط میدان مغناطیسی مارپیچی که توسط دیسک‌های براقرآینی ایجاد می‌شوند، حلقه‌های چرخشی پلاسمای فوق گرم که افق رویداد را احاطه کرده‌اند، کند می‌شود و سیاهچاله را قطع می‌کند. با کاهش سرعت چرخش سیاهچاله، انرژی اضافی در پرتوهای آزاد می‌شود.درحالی‌که این موضوع قبلاً پیش‌بینی شده بود، برای اولین بار، محققان به‌طور دقیق چگونگی پینچش این خطوط نامرئی را با استفاده از مدل‌های رایانه‌ای جدید بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط تلسکوپ افق رویداد ترسیم کردند. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که هر سیاهچاله ممکن است به این ترتیب انرژی خود را از دست ندهد. این تیم نشان داد که جهت میدان‌های مغناطیسی مارپیچی تعیین می‌کند که جت‌های انرژی به کدام سمت هدایت شود. محققان دریافتند که اگر میدان‌های اطراف سیاهچاله دیگری درجهت مخالف مارپیچی شوند، آنگاه انرژی به افق رویداد فرستاده می‌شود و توسط آن سیاهچاله بلعیده می‌شود.بااین حال، اگرچه مدل جدید به خوبی با مشاهدات جت‌ها مطابقت دارد، تیم نمی‌تواند رد کند که چیز دیگری، مانند منبع ناشناخته دیگری از پلاسمای دوار، ممکن است پرتوها را تغذیه کند.بنابراین درحال حاضر، این معما از نظر فنی حل نشده باقی مانده است. محققان براین باورند که به احتمال زیاد سیاهچاله به جت نیرو می‌دهد، اما هنوز نمی‌توان آن را ثابت کرد.